من بعد از تو چهار کلمه را سه بار گفتم که اگر با آنچه تو از [آغاز] امروز گفته‌ای وزن شود، از آنها سنگین‌تر خواهد بود

از جویریه ام‌المؤمنین رضی الله عنها روایت است که: پیامبر صلی الله علیه و سلم هنگام نماز صبح، اول وقت از نزد او خارج شدند در حالی که او در محل نمازش بود. سپس پس از گذشت پاسی از صبح بازگشتند در حالی که او همچنان نشسته بود. پس فرمودند: «مَا زِلْتِ عَلَى الْحَالِ الَّتِي فَارَقْتُكِ عَلَيْهَا؟» یعنی: «آیا همچنان بر همان حالی هستی که تو را بر آن ترک کردم؟» گفت: آری. پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «لَقَدْ قُلْتُ بَعْدَكِ أَرْبَعَ كَلِمَاتٍ، ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، لَوْ وُزِنَتْ بِمَا قُلْتِ مُنْذُ الْيَوْمِ لَوَزَنَتْهُنَّ: سُبْحَانَ اللهِ وَبِحَمْدِهِ، عَدَدَ خَلْقِهِ وَرِضَا نَفْسِهِ وَزِنَةَ عَرْشِهِ وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ» یعنی: من بعد از تو چهار کلمه را سه بار گفتم که اگر با آنچه تو از [آغاز] امروز گفته‌ای وزن شود، از آنها سنگین‌تر خواهد بود: سُبْحَانَ اللهِ وَبِحَمْدِهِ، عَدَدَ خَلْقِهِ وَرِضَا نَفْسِهِ وَزِنَةَ عَرْشِهِ وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ» (الله پاک و منزه است و او را ستایش می‌کنم؛ [ستایشی] به تعداد مخلوقاتش، و به اندازۀ خشنودیِ ذاتش، و به سنگینیِ عرشش، و به اندازۀ مرکبِ کلماتش).

[صحیح است] [به روایت مسلم]

پیامبر صلی الله علیه و سلم اول روز، هنگامی که نماز صبح را خواندند، از نزد همسرشان ام‌المؤمنین جویریه رضی الله عنها خارج شدند، در حالی که او در محل نمازش نشسته بود. سپس پس از آنکه نیمۀ روز گذشت و وقت چاشت شد، بازگشتند در حالی که او همچنان در مکانش نشسته بود. پس فرمودند: آیا همچنان بر همان حالی هستی که تو را بر آن ترک کردم؟ گفت: آری. پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: همانا من بعد از تو چهار کلمه گفتم و آن را سه بار تکرار کردم که اگر از نظر پاداش با تمام آنچه تو در این مدتی که نشسته‌ای گفته‌ای مقایسه شود، بر آن برتری می‌یابد: «سُبْحَانَ اللهِ» (الله پاک و منزه است) و منزه دانستن او از همۀ نقایص، «وَبِحَمْدِهِ» (و با ستایش او) زیرا ثنای جمیل از آنِ اوست که به این [کار] هدایت کرده است، «عَدَدَ خَلْقِهِ» (به تعداد مخلوقاتش) که جز خدا کسی آنها را نمی‌شمارد، «وَرِضَا نَفْسِهِ» (و به اندازۀ خشنودیِ ذاتش) به مقداری که او را از بندگانش که از آنان راضی شده، خشنود می‌سازد و آن چیزی است که به آن احاطه نمی‌توان یافت، «وَزِنَةَ عَرْشِهِ» (و به سنگینی عرشش) که بزرگترین و سنگین‌ترین مخلوقات است، «وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ» (و به اندازۀ مرکب کلماتش) و کلمات خدا شمارش نمی‌شوند و پایان نمی‌پذیرند؛ و این [عبارت] سه بخش [قبلی] را در بر می‌گیرد و شامل آنها می‌شود؛ زیرا مرکب کلمات او سبحانه، نه قدرش نهایتی دارد، نه صفتش و نه تعدادش. بلکه منظور، مبالغه در کثرت است؛ زیرا ابتدا چیزی را ذکر کرد که با شمارش زیاد قابل شمارش است یعنی تعداد مخلوقات، سپس به چیزی بزرگتر از آن ترقی کرد و از آن به رضایت ذاتش تعبیر نمود، سپس به وزن بزرگترین مخلوقات یعنی عرش؛ پس اولی برای شمارش و کمیت است، دومی برای صفت و کیفیت، و سومی برای بزرگی و سنگینی.

http://sunnah.global/hadeeth/fa/show/5508